



انترناسیونال

۱۴۲

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

جمعه، ۱۲ خرداد ۱۳۸۵، ۲ ژوئن ۲۰۰۶

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com

سرمدبیر: محسن ابراهیمی

مردم به یاری حزب خود بشتابید! کمپین حزب برای جمع آوری نیم میلیون دلار آغاز میشود!

صفحه ۴

حمید تقوائی



اعتراضات مردم آذربایجان و جنبش سرنگونی

گفتگو با حمید تقوائی

برنامه بر ممنوعیت نفرت پراکنی قومی و ملی و مذهبی نیز تاکید کرده است. مندرجات روزنامه ایران برای هر کس که ذره ای احترام برای انسانیت قائل باشد عین نفرت پراکنی قومی و ملی است و باید ممنوع شود.

ثانیا، حتی اگر این بند برنامه را نادیده بگیریم، موضوع مورد مجادله در اینجا جنبه حقوقی درج يك کاریکاتور و مقاله نیست،

صفحه ۲

محسن ابراهیمی: حزب کمونیست کارگری در برنامه اش روی آزادی بی قید و شرط بیان تاکید کرده است. اما شما میگویید این کاریکاتور و این مندرجات را باید شدیداً محکوم کرد. آیا این يك تناقض نیست؟

حمید تقوائی: به نظر من آزادی بی قید و شرط بیان بی ربط ترین و نابجا ترین بحث و مقوله ای است که میتواند در مورد مطالب روزنامه ایران عنوان شود. اولاً اگر به برنامه يك دنیای بهتر استناد میکنید این

است و اعمال تبعیض و بیحقوقی و نفرت پراکنی جنسی و قومی و مذهبی يك وجه ثابت سیاستها و تبلیغات حکومت اسلامی در تمام طول حیات ننگینش بوده است. اقدام روزنامه دولتی ایران يك استثنا نبود، يك قاعده بود و اعتراض علیه آن نیز سر باز کردن خشم فروخورده مردم علیه تبعیضات و نابرابری های بیشماری است که حکومت اسلامی نزدیک به سه دهه است به مردم در آذربایجان و در سراسر ایران تحمیل کرده است.

به نظر من انتشار این مطلب بعنوان توهین و بی حرمتی آشکار به انسانها و انسانیت باید از جانب همه نیروهای آزادیخواه و انساندوست قاطعانه محکوم شود. این مطلبی به غایت توهین آمیز و ضد انسانی است و تنها نمونه هم نیست. حکومت اسلامی از امامان جمعه اش تا رادیو تلویزیون و سایتها و روزنامه های ریز و درشتی که در اختیار دارد مدام مشغول تحقیر و توهین به زنان و اقلیتهای مذهبی و مردم منسوب به ملیتهای مختلف

محسن ابراهیمی: کاریکاتور و مندرجات روزنامه دولتی ایران به اعتراضات وسیعی در شهرهای آذربایجان منجر شد. در مورد خود این کاریکاتور و نوشته همراهش چه فکر میکنید؟

حمید تقوائی: این کاریکاتور و نوشته همراه آن نمونه بارزی از نفرت پراکنی قومی و ملی است. نوشته ای سراپا مستهجن و مشتمل کننده علیه بخشی از مردم يك جامعه در يك ارگان دولتی منتشر شده و خشم و اعتراض مردم را برانگیخته است.

مراسم یادبود منصور حکمت
اطلاعیه آذر ماجدی
صفحه ۶

به کنفدراسیون اتحادیه های آزاد کارگری و اتحادیه های کارگری در سراسر جهان
شهرلا دانشفر
صفحه ۶

در محکومیت جنایات رژیم در شهرهای آذربایجان به میدان بیابید! قوم پرستان، چرخ پنجم جمهوری اسلامی هستند!
اطلاعیه های حزب
صفحه ۵

اطلاعیه کانال جدید در مورد تغییر فرکانس ماهواره تلویزیون کانال جدید را همزمان در اینترنت ببینید!
علی جوادی
صفحه ۵

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

گفتگو با حمید تقوایی

مضمون آنست. با مقوله آزادی بیان نمی‌شود به سراغ مضمون هیچ نظر و عقیده ای رفت. آزادی بی قید و شرط بیان به معنی موافقت با مضمون هر اراجیفی که چاپ و منتشر می‌شود نیست. شما می‌توانید طرفدار دو آتشه آزادی بیان باشید و در همان حال مخالف و معترض دو آتشه به آنچه بیان می‌شود. آزادی بی قید و شرط بیان را کنار آزادی بی قید و شرط اعتراض و مبارزه بگذارید تا تصویر کامل و جای واقعی همه چیز معلوم شود. این دو اصل یکدیگر را نقض نمی‌کنند مکمل یکدیگر هستند. کسانی که خیلی دوست دارند همه چیز را با مقوله حقوقی آزادی بیان توضیح دهند توجه داشته باشند که اعتراض و مبارزه نیز نوعی بیان آزادانه نظرات و عقاید و احساسات است که بخصوص برای مردمی که از رسانه‌های عمومی محرومند تنها شیوه بیان عقایدشان است. لطفاً از همه آزادی بیان، و نه فقط بخشی از آن، بی قید و شرط دفاع کنید.

ثالثاً، دفاع از حق آزادی بیان حکومتها آنهم حکومتی از نوع جمهوری اسلامی پوچ و بی معنی است. جمهوری اسلامی انحصار بیان را در جامعه در اختیار دارد، متکلم وحده است، و نه تنها یکطرفه و یکجانبه هر چه می‌خواهد علیه هر که می‌گوید و مینویسد و تبلیغ میکند بلکه با شلاق و قمه و چاقو و قتل‌های زنجیره ای به سراغ هر کسی می‌رود که بخواهد حرف و نظر دیگری داشته باشد. باید خواستار حق آزادی بیان، از جمله آزادی اعتراض و مبارزه، برای مردم شد، ارگانهای دولتی که مساله و مشکل و محدودیتی ندارند و نداشته اند. در این جا هم مساله را از سر آزادی بیان مقامات دولتی و نهادهای تبلیغاتی آنان دیدن، مانند مورد کنفرانس برلین که پاسدار ولتر های دو خردادی از همین موضع به حق بیان اعتراضات ما در آن کنفرانس خرده می‌گرفتند، پوچ و بی پایه و به اصطلاح معروف گم کردن سوراخ دعاست.

رابعاً، کسانی که در قبال نوشته روزنامه ایران به یاد آزادی بیان روزنامه نویس می‌افتند و نه حقوق مردمی که به حق از این نوشته خشمگین و نسبت به آن معترضند در واقع نشان می‌دهند که مشکل

چندانی با نفرت نامه مندرج در این روزنامه ندارند. کسی که با مضمون عقیده و نظری مخالف باشد و آنرا توهین آمیز و غلط و ارتجاعی و ضد انسانی ببیند عکس العمل طبیعی و عادی اش اعتراض به مضمون نظرات خواهد بود و نه دفاع از حق بیان این نظرات! مساله حقوقی نیست، سیاسی است. این فراموش و یا حتی کمرنگ کردن مضمون بغایت ارتجاعی و ضد انسانی یک نظر و برجسته کردن حق بیان آن بخاطر ولترمنشی نیست، ناشی از بی تفاوتی به ستم و تبعیض و بی تفاوتی در دفاع از حرمت انسانی است. در اینجا هم دم خروس پاسدارهای دوحردادی از زیر عبای ولترهای پلاستیکی ما بیرون میزند!

می‌بینید از هر زاویه ای که مساله را بررسی کنید بحث آزادی بیان وصله ناجور و ناچسبی به مساله مندرجات کذائی روزنامه ایران و اعتراضات اخیر در برابر آن است.

محسن ابراهیمی: ارزیابی شما از اعتراضات مردم آذربایجان چیست؟ ریشه این اعتراضات چیست؟ آیا این یک اعتراض فقط به مندرجات مستهجن روزنامه دولتی ایران بود یا عوامل دیگری موجب اعتراض به این گسترده شد؟

حمید تقوایی: روشن است که این اعتراضات حول مندرجات روزنامه ایران شکل گرفته ولی تقریباً مانند همه اعتراضات دیگر در شرایط سیاسی امروز جامعه، علت و زمینه و مضمون آن از مساله مشخصی که بهانه و آغاز گر آن بوده بسیار فراتر می‌رود. اگر مردم آذربایجان مدتهای مدید از ستم ملی، که یک بروز آن محرومیت از تحصیل و بیان کتبی و شفاهی نظراتشان به زبان مادری خود است، در رنج نبودند؛ اگر حکومتی نظیر جمهوری اسلامی که عامل و پاسدار انواع تبعیضات و نابرابری‌های مذهبی و جنسی و قومی و ملی در میان بخشهای مختلف جامعه است، بر سر کار نبود؛ و اگر علیه چنین حکومتی نفرت و خشم مردم در آذربایجان، همانند بقیه مردم ایران، انباشته شده و به حد انفجار نرسیده بود، آنوقت مندرجات روزنامه ایران هم اعتراضات چندانی را بر نمی

انگیخت. در چنین صورتی نوشته مستهجن روزنامه ایران می‌توانست با نقد کوبنده یک روزنامه آزدیخواه پاسخ بگیرد و مساله خاتمه پیدا کند. اما در جامعه ای که سنگ را بسته اند و سگ را رها کرده اند و اعتراض و ریختن به خیابانها تنها راه مردم برای بیان نظرات خود است کاملاً طبیعی و قابل انتظار است که کاریکاتور و نوشته یک روزنامه، کاسه صرهارا را لبریز کند و جرقه ای باشد به بشکه باروت خشم و انزجار مردم از حکومت جمهوری اسلامی و شرایط غیرقابل تحملی که به اکثریت عظیم مردم تحمیل کرده است. عبارت دیگر شرایطی که موجب دامن زدن و گسترده‌گی این مبارزات شد آن شرایط سیاسی و اجتماعی و اقتصادی غیر قابل تحملی است که مردم در آذربایجان و در سراسر ایران با آن دست بگریباندند. مردم در هر گوشه ایران منتظر کوچکترین درپچه و محمل و بهانه ای برای طغیان علیه این شرایط هستند. و این بار این بهانه و محمل نفرت نامه روزنامه ایران بود.

محسن ابراهیمی: جریانات قوم پرست تلاش زیادی کردند که رنگ ضد حکومتی این اعتراضات را تضعیف کنند؛ به شعارهای قوم پرستانه دامن بزنند و این اعتراضات را به خصومت میان ترک زبانها و فارس زبانها تبدیل کنند. تا حدود زیادی هم مخصوصاً در روزهای اول موفق شدند به شعارهای قوم پرستانه دامن بزنند. در اینصورت آیا این حرکات را میتوان جزوی از جنبش سرنگونی طلبانه مردم دانست؟

حمید تقوایی: حساب جنبش اعتراضی مردم، هر اندازه هم که شعارهای ناسیونالیستی در آن نفوذ و رسوخ کرده باشد، از نیروهای ناسیونالیست و قومپرست جداست. همانطور که حساب انقلاب ۵۷ را باید از خمینی و نیروهای اسلامی که آزا به شکست کشاندند جدا کرد. ندیدن این تفاوت می‌تواند نتایج بسیار زیانبار و مخربی برای احزاب و نیروهای انقلابی و آزدیخواه داشته باشد. برخورد پاسیو و پشت کردن به مبارزات مردم و در نتیجه خالی کردن میدان برای تحریف و به شکست کشاندن مبارزات مردم بوسیله جریانات ناسیونالیست از اولین نتایج مخرب این اشتباه مهلك است.

اعتراضات مردم آذربایجان

علیه تبعیض و ستم ملی، مانند مبارزه زنان علیه تبعیض و آپارتاید جنسی و یا مبارزه توده مردم علیه دیکتاتوری شاه، از نظر مضمون و انگیزه‌ها و خواست پایه ای که مردم را به حرکت در آورده است مبارزه ای حق طلبانه و قابل دفاع است. اجازه بدهید برای روشن تر شدن مساله مروری بر انقلاب ۵۷ داشته باشیم. منصور حکمت در ارزیابی انقلاب ۵۷، هیجده سال پس از این انقلاب، مینویسد:

"مصائب دوران پس از انقلاب در ایران را باید بپای مسببین آن نوشت. مردم حق داشتند رژیم سلطنت و تبعیض و نابرابری و سرکوب و تحقیری را که شالوده آن را تشکیل میداد نخواهند و به اعتراض برخیزند. مردم حق داشتند که آخر قرن بیستم شاه نخواهند، ساواک نخواهند، شکنجه گر و شکنجه گاه نخواهند. مردم حق داشتند در برابر ارتشی که با اولین جلوه‌های اعتراض کشتارشان کرد دست به اسلحه ببرند. انقلاب ۵۷ حرکتی برای آزادی و عدالت و حرمت انسانی بود". (تاریخ شکست نخوردگان، چند کلمه بیاد انقلاب ۵۷).

و کمی پائین تر نفوذ و سلطه خمینی و اسلامیون بر انقلاب را چنین توضیح میدهد:

"ضد انقلاب اسلامی محصول این بود که ابتکار عمل در صحنه اعتراضی از دست حرکت مدرنیستی - سوسیالیستی کارگران صنعت نفت و صنایع بزرگ، به دست اپوزیسیون سنتی ایران افتاد. اینها بودند که پرسوناژ خمینی و سناریوی انقلاب اسلامی را از غرب تحویل گرفتند و عملاً به توده مردم معترض فروختند. علیرغم همه اینها، معرکه گیری اسلامی تنها توانست وقفه ای در روند انقلاب ۵۷ ایجاد کند. رویدادهای دوره بلافاصله پس از قیام بهمین نشان داد که دینامیسم انقلاب هنوز برجاست. نشان داد که مردم، هرچه بر زبانشان انداخته شده بود، بهرحال نه برای اسلام بلکه برای آزادی و رفاه اجتماعی به میدان آمده بودند و هنوز در میدان مانده بودند". (همانجا)

به حرکت اعتراضی مردم آذربایجان نیز دقیقاً با همین شیوه باید برخورد کرد. مردم شهرهای آذربایجان نیز کاملاً حق دارند علیه ستم ملی بپا بخیزند و اعتراض

کنند. و مبارزه آنان نیز علیرغم هر چه بر سر زبانشان انداخته شده است، نه برای ملیت و قومپرستی بلکه برای آزادی و رفاه اجتماعی است.

البته اعتراضات اخیر در شهرهای آذربایجان و انقلاب ۵۷ از نظر ابعاد و دامنه و تاثیرات سیاسی و اجتماعی در یک سطح و اصولاً قابل مقایسه نیستند اما از نظر مدت بررسی یک حرکت اعتراضی توده ای، شناخت ماهیت و مضمون آزدیخواهانه و انسانی آن و بخصوص تفکیک آن از نیروهای ارتجاعی که می‌توانند در این جنبشها دخالت کنند و آنها را به بیراهه و شکست بکشاند شباهت زیادی بین این دو حرکت وجود دارد.

ما همیشه در برابر لشکر شکست خوردگان و نادمین از انقلاب، آنانکه انقلاب ۵۷ را اسلامی و شرکت در آن را اشتباه دوران جوانی و نادانی خود ارزیابی میکنند، پرچمدار دفاع از انقلاب ۵۷ و مضمون و اهداف انسانی و آزدیخواهانه آن بوده ایم و تاریخ شکست نخوردگان منصور حکمت نمونه درخشان چنین ارزیابی و برخوردی به جنبش انقلابی مردم است. اکنون ما باید همین متد و روش برخورد را نه در قبال تاریخ گذشته، بلکه تاریخی که در برابر چشمانمان در حال شکل گرفتن است بکار بگیریم. این بار برخلاف انقلاب ۵۷، نیروهای مذهبی و ناسیونالیستی یکه تاز میدان نیستند، بلکه نیروی موثر و فعالی نظیر حزب کمونیست کارگری حضور دارد که آمل و خواستهای انسانی و آزدیخواهانه مردم را نمایندگی میکند و اجازه نمیدهد هر شعاری را بر سر زبانشان بیاندازند. ما اجازه

نمیدیم ناسیونالیسم و قومپرستی همان بلاتی را بر سر انقلاب آتی ایران بیاورد که اسلام بر سر انقلاب ۵۷ آورد. این حقیقت پایه ای را باید در نظر داشت که آنچه به نیروهای ناسیونالیستی و مذهبی، یعنی نیروهای سیاسی طبقه حاکمه، اجازه میدهد که مبارزات برحق مردم را در جهت اهداف ارتجاعی خود منحرف کنند غیاب یک حزب و نیروی انقلابی است. در صورت حضور اجتماعی فعال و دخالتهگر چنین نیروی توده مردم منافع واقعی خود را تشخیص خواهند داد و نمایندند واقعی اهداف و آرمانهای انسانی خود را از خیل احزاب و

از صفحه ۲ گفتگو با حمید تقوایی

نیروهای عوامفرب و دشمنان دوست ما باز خواهند شناخت. جنبش جاری مردم آذربایجان به حکم شرایط عینی و واقعی زندگی مردم حرکتی برای رفع ستم ملی است، و بهمین اعتبار این ظرفیت را دارد و میتواند به یک حرکت اعتراضی انقلابی علیه جمهوری اسلامی و برای تحقق آزادی و برابری تبدیل شود. این زمینه واقعی مبنای عینی دخالتگری فعال و موثر حزب ما و روی آوری هر چه بیشتر مردم معترض به اهداف و سیاستهای حزب ما است.

یک جنبه اصلی سیاست عملی و برخورد ما به حرکات اعتراضی مردم نقد و افشای بی‌امان نیروهای ناسیونالیست و قومپرست است. نه تبعیض و ستم ملی تنها مساله مردم آذربایجان است و نه حرکت اعتراضی آنان تنها مورد مبارزه علیه تبعیض و نابرابری در کل جامعه ایران است. و بهمین دلیل سیاستها و شعارهای ناسیونالیستی که اولاً همه مساله مردم را به تبعیض و ستم ملی تنزل میدهد و ثانیاً عامل مساله را نه جمهوری اسلامی بلکه مردم فارس زبان و کلا غیر ترک میدانند نمیتواند در برابر افشاگرها و نقد فعال ما دوام بیاورد و افق تنگ و ضد انسانی خود را بر حرکت اعتراضی مردم حاکم کند. من اطمینان دارم در صورت دخالتگری فعال حزب، که فی الحال با برنامه های زنده تلویزیونی انترناسیونال آغاز شده است، جانی برای نیروهای ناسیونالیست و قومپرست و شعارها و مطالبات ارتجاعیشان باقی نخواهد ماند.

محسن ابراهیمی: خطر تحرکات ناسیونالیستی قوم پرستانه برای جنبش سرنگونی مردم ایران از جمله مردم آذربایجان چیست؟ آیا این جریانات خواهند توانست شرایطی مثل یوگسلاوی سابق و عراق امروز در ایران بوجود بیاورند؟ آیا خواهند توانست مبارزه مردم ایران علیه حکومت اسلامی را به جنگ و خونریزی میان مردم تبدیل کنند؟

حمید تقوایی: ناسیونالیسم و قومپرستی، بویژه بر متن شرایط امروز دنیا و در چارچوب نظم نوین جهانی سرمایه کاملاً از ظرفیت متلاشی کردن جوامع و جانشینان

کردن مدنیت و انسانیت با توحش و قومیت برخوردار است. هیچ جامعه ای در مقابل خطر ناسیونالیسم و قومگرایی خودبخود مصونیت ندارد. این ویروس است که سالها حکومت سرمایه و تقدیس رسمی وطن پرستی و ملیت و پرچم و آب و خاک در ارگانیک هر جامعه ای وارد کرده است و در هر تحول و تکان اجتماعی میتواند این ویروس فعال شود و فجایعی نظیر یوگسلاوی و عراق بوجود بیاورد. این احتمال همه جا وجود دارد اما وقوع عملی آن تماماً به مبارزه و پراتیک اجتماعی و طبقاتی نیروهای سیاسی گره خورده است.

امروزه رشد ناسیونالیسم و قومگرایی یک روند جهانی و عمومی است. امروز ناسیونالیسم، بویژه در شکل قومگرایی، و ایدئولوژی و الگوهای حکومتی و اجتماعی متناظر با آن، یعنی تقسیم جوامع به اقوام و ملیتها، فدرالیسم قومی، تعریف دموکراسی بعنوان دولت متشکل از سران اقوام و عشایر و مذاهب در یک جامعه، تز نسبیته فرهنگی و انکار ارزشهای جهانشمول انسانی و غیره و غیره به یک روند اصلی در سیاستهای بورژوازی جهانی تبدیل شده است. و به این اعتبار ناسیونالیسم و قومگرایی یک موضوع مورد مجادله و یک عرصه اصلی نبرد طبقاتی بین دو کمپ چپ و راست در مقیاس جهانی است. این در واقع نبردی بین توحش و انسانیت، نبردی بین مدنیت قرن بیست و یک با قومیت و مذهب گرائی قرون وسطائی است. در دو سوی این نبرد بورژوازی و طبقه کارگر جهانی، اولی در راس کمپ توحش و دومی در پیشاپیش اردوی انسانیت در مقابل یکدیگر صف کشیده اند. اینکه تا چه اندازه ناسیونالیستها و قومگرایان در ایران و یا هر نقطه دیگر جهان موفق به پیاده کردن سیاستها و الگوهای اجتماعی - حکومتی خود خواهند شد تماماً به نتیجه این نبرد طبقاتی بستگی دارد.

یکی از تعیین کننده ترین و حاد ترین عرصه های این مقابله طبقاتی جامعه ایران است. این مقابله جهانی بین توحش و انسانیت در ایران به شکل مقابله توده مردم تشنه آزادی و مدرنیسم و مدنیت با حکومت

مذهبی که مظهر توحش امروز سرمایه داری جهانی است خود را نشان میدهد.

در صفوف اپوزیسیون راست جمهوری اسلامی هم عظمت طلبی ایرانی و هم ناسیونالیسم قومپرستانه نمایندگی میشود اما حضور و مطرح بودن این جریانات نه بخاطر زمینه اجتماعی و نفوذ و محبوبیت آنان در میان مردم بلکه اساساً بخاطر چشم انداز و افق است که در عرصه بین المللی در برابر ناسیونالیسم قومپرست گشوده شده است. این نیروها به این امید بسته اند که در تحولات آتی ایران متکی بقدرت آمریکا و سایر دول غربی جایی در حکومت پیدا کنند و در واقع همان نقش را داشته باشند که خمینی و اسلام سیاسی در انقلاب ۵۷ ایفا کرد.

پان ترکیسم و ناسیونالیسم قومپرست آذری یکی از این نیروها و خطرناک ترین آنها است. وجود ستم ملی علیه ترک زبانان، همسایگی با ترکیه و جمهوری آذربایجان که پس از فرو پاشی شوروی به یک کشور مستقل تبدیل شد و بالاخره حساب باز کردن دولت آمریکا روی تشنه های ملی و قومی و نیروهای قومگرا در اپوزیسیون جمهوری اسلامی، همه اینها عواملی است که زمینه رشد ناسیونالیسم ترک را فراهم میکند. در واقع اعتراضات جاری در آذربایجان نشان میدهد که هر اندازه زمینه داخلی گرایشات قوم پرستانه و نفرت پراکنی قومی و ملی در جامعه ضعیف باشد، عرض اندام جهانی ناسیونالیسم قومی و موقعیت آن در بستر اصلی سیاستهای بورژوازی جهانی میتواند شرایط داخلی یک جامعه را تحت الشعاع قرار بدهد و ویروس ملی - قومی را به هر جامعه ای تزریق کند. باید در برابر این خطر کاملاً هشیار و حساس بود و با تمام قدرت با آن به مقابله پرداخت.

محسن ابراهیمی: واقعیت اینست که مردم آذربایجان مثل مردم در سایر نقاط ایران علیه حکومت اسلامی اعتراض میکنند. مردم علیه بی حقوقی و ستم و تبعیض از جمله ستم ملی علیه مردم ترک زبان مبارزه میکنند. جریانات ناسیونالیست میگویند فدرالیسم راه حل رفع این ستم است. نظرتان در مورد راه حل این جریانات چیست؟

حمید تقوایی: فدرالیسم راه حل ستم ملی نیست، نسخه ای برای تثبیت و نهادینه کردن تبعیض و ستم ملی و دامن زدن به کینه و نفرت و تفرقه ملی و قومی در جامعه است. طرح فدرالی کردن حکومت در ایران برخلاف آنچه مدافعین آن ادعا میکنند، نه جامعه ای نظیر سوئیس و یا آلمان فدرال، بلکه فاجعه ای نظیر عراق و یوگسلاوی را در پی خواهد داشت. فدرالیسم در چارچوب نظم نوین جهانی اش دیگر به معنای کلاسیک قرن هفدهمی - هجدهمی یعنی تشکیل کشورها و دولت‌های ملی و جوامع بزرگتر از مردم منسوب به ملیتها و اقوام مختلف نیست. به نحوی که مثلاً دولت‌های آلمان و سوئیس و یا آمریکا شکل گرفتند. معنی امروزی فدرالیسم کاملاً بر عکس این پروسه تاریخی است. فدرالیسم امروز یعنی تجزیه و متلاشی کردن کشورها بر اساس مردم منسوب به اقوام و ملیتها مختلف. فدرالیسم کلاسیک اساساً معنائی اداری داشت و ناظر بر تشکیل جوامع و کشورهای بزرگتر بود و فدرالیسم نظم نوینی اساساً قومی و ناظر بر تجزیه و تلاشی جوامع بر اساس قومیت است. این یک سیر قهرقرائی و رو به عقب در تاریخ است، این بازگشت به قرون وسطی است که البته با اجزاء دیگر نظم نوین بورژوازی جهانی مانند بازگشت مذهب به دولت و قوانین و سیستم آموزشی و نفی جامعه مدنی از قبایل و مذاهب و اقوام و ملیتها کاملاً منطبق است و خوانائی دارد.

فدرالیسم در واقع راهی برای بحکومت رسیدن احزاب و جریانات قوم پرست و ناسیونالیست بر اساس الگوی حکومتی نظم نوین جهانی است و نه راه حلی برای حل ستم ملی. این راهی است که از جنگ خونین و خانه بخانه و همسایه کشی بین مردمی که تا دیروز در کنار یکدیگر زندگی میکردند و مساله ای با یکدیگر نداشته اند میگردد. جریانات ناسیونالیست و قوم پرست در واقع به قیمت برپا کردن خونین ترین کشتارها و تصفیه ها و نسل کشی های قومی و ملی راه بقدرت رسیدن خود را هموار میکنند و در این میان حل ستم ملی تنها محمل و بهانه و پوشش عوامفربانه این جنسایات است. نیروهای ناسیونالیست و قومپرست آذری در جریان همین اعتراضات اخیر نشان

دادند که چه ظرفیت دهشتناکی برای دامن زدن به کینه و نفرت ملی بین مردم آذربایجان یا دیگر نقاط ایران دارند و امر واقعیشان نه رفع ستم و تبعیض ملی بلکه عظمت طلبی ترک و نفرت پراکنی قومی بین مردمی است که آنها را با لقب "ترک" و "فارس" و "روس" و "ارمنی" از همدیگر جدا میکنند و در مقابل یکدیگر قرار میدهند. این هویت تراشی و نفرت پراکنی قومی در واقع ابزار و ملاط سیاسی سیستم فدرالیسم قومی ایست که قرار است این نیروها را به حکومت برساند. همانطور که در ابتدا اشاره کردم امر مردم آذربایجان حتی در مبارزه برای رفع ستم ملی، تماماً از امر نیروهای قومپرست و ناسیونالیست ترک، جریاناتی که نسخه های نظم نوینی بقدرت رسیدن خود را بعنوان راه حل ستم ملی به مردم ارائه میدهند، جدا است و در واقع در نقطه مقابل یکدیگر است.

محسن ابراهیمی: راه حل حزب کمونیست کارگری برای رفع تبعیض و ستم ملی چیست؟

حمید تقوایی: راه حل ما برای رفع ستم و تبعیض ملی برسمت شناختن حقوق برابر برای همه شهروندان است. نکته اساسی اینست که برای حل مساله ملی باید با ملیت و قومیت و هویت تراشی ملی و قومی برای افراد جامعه مقابله کرد و در برابر آن هویت انسانی را قرار داد. ستم ملی را نمیتوان با هویت ملی و قومی ساختن برای انسانها و بعد قائل شدن حقوق ویژه برای "اقوام و ملل ساکن کشور" حل کرد. این نسخه ای برای تشدید و تثبیت ستم و تبعیض ملی است و نه رفع و حل آن. مساله ملی وقتی تماماً حل خواهد شد که دولت و قوانین و سیستم اداری آموزشی و حقوقی کشور نسبت به ملیت و قومیت کور باشد و با همه افراد جامعه بعنوان انسانهای برابر و متساوی الحقوق برخورد کند. همانطور سکولاریسم یعنی مذهب زدائی از دولت و سیستم آموزشی و قوانین و شئونات اجتماعی مردم جامعه راه حل تبعیض و ستم مذهبی است، ملیت و قومیت زدائی از دولت و جامعه نیز راه حل واقعی غلبه بر ستم و تبعیض و تفرقه ملی و قومی در یک جامعه است. راه حل ما برای رفع ستم و تبعیض ملی برسمیت شناختن

مردم به یاری حزب خود بشتابید! کمپین حزب برای جمع آوری نیم میلیون دلار آغاز میشود!

دومین کمپین جمع آوری کمک مالی حزب از روز جمعه ۲ ژوئن، ۱۲ خرداد ماه آغاز میشود. این کمپین ۶ هفته ادامه خواهد داشت و هدف آن جمع آوری نیم میلیون دلار است. این اولین گام برای عملی ساختن قرار مصوب پلنوم اخیر کمیته مرکزی برای جمع آوری یک میلیون دلار است. پیروزی این کمپین اولویت فوق العاده مهم حزب به منظور تامین مالی حفظ و گسترش فعالیت حزب در شرایط حساس و تاریخی فعلی است.

ما حزب کارگران، حزب توده مردم محروم و حزب مردم زیر خط فقر هستیم و مانند توده عظیم مردمی که نمایندگی میکنیم همیشه با مشکل مالی مواجه بوده ایم. راه حل ما برای این مشکل نیز همیشه رجوع به مردم و کمک خواهی از جامعه بوده است. در اولین کمپین مالی علنی حزب که نه ماه قبل انجام شد ما موفق شدیم طی ۴ هفته ۱۲۰ هزار دلار (۲۰ هزار دلار بیشتر از سقف تعیین شده) کمک جمع کنیم و این موفقیت نه تنها نشان دهنده سیاست درست رجوع علنی به توده مردم و کمک خواستن از آنان بلکه شاخص مهمی از مقبولیت و محبوبیت اهداف و سیاستهای حزب در جامعه است. پیروزی آن کمپین نوعی قدرتمندی سیاسی مردم و حزبشان در برابر جمهوری اسلامی و نظم موجود بود. حزب کمونیست کارگری حزب نه به استعمار و اختناق، نه به آپارتاید جنسی و هر نوع تبعیض و ستمگری، حزب مقابله با مذهب و ملیت و قومیت، و حزب دفاع از آزادی و برابری و انسانیت است. این حزب افشاگر و منتقد پیگیر نظم نوین جهانی و دولتها و نیروهای سیاه مذهبی - قومی است که در توحش جهانی سرمایه داری افسار گسیخته اند و به جان مردم افتاده اند. این حزب جبهه جهان متهمان در برابر اسلام سیاسی و میلیتاریسم دولت آمریکا و متحدین اوست. این حزب انقلاب علییه جمهوری اسلامی و حزب پرچمدار برپائی جامعه آزاد و برابر و مرفه سوسیالیستی است. اهداف و سیاستهای حزب ما خواست و آرمان و اهداف میلیونها انسان در ایران و در سراسر جهان است! ما دست کمک بسوی شما انسانهای شریف و آزاده دراز میکنیم و از شما یاری میخواهیم. حزب ما برای تحقق

برنامه و اهداف انسانی اش به کمکهای مالی همه انسانهایی که نمیتوانند و نمیخواهند وضع موجود را تحمل کنند و خواستار زندگی در یک دنیای بهتر هستند نیازمند است.

حزب کمونیست کارگری وظایف سنگینی در برابر خود دارد و فعالیتهای همه جانبه ای را در عرصه های متعدد و وسیعی در ایران و در سطح جهانی به پیش میبرد. نبرد علیه اعدام و سنگسار در ایران و در دیگر کشورهای اسلامزده و نجات جان دهها نفر از زیر تیغ اسلام، دخالتگری فعال در جنبش کارگری و حمایت موثر و پیشبرد مبارزات کارگران از کارخانه شاهر و نساجی های سندج و کاشان تا مبارزات کارگران شرکت واحد و ایران خودرو و پتروشیمی و کشت و صنعت و کشتی سازی ایران صدرا و ده ها و صدها اعتراض و اعتصاب کارگری دیگر، دفاع از حقوق پناهندگان و نجات جان و زندگی هزاران انسان از جهنم جمهوری اسلامی، مبارزه علیه آپارتاید جنسی و حجاب اسلامی در ایران و مبارزه علیه دادگاههای اسلامی و قتلهای ناموسی و حجاب کودک در کانادا و آلمان و اسکانیدیناوی، دفاع پیگیر از سکولاریسم و مبارزه علیه دخالت مذهب در دولت و قوانین و آموزش و پرورش در ایران و سایر کشورهای اسلامزده و در کشورهای غربی، دفاع از حقوق کودک و برافراشتن پرچم کودکان مقدمند در ایران و در هرجا حزب حضور دارد و فعالیت میکند، نقد و مقابله پیگیر با تزهاری ارتجاعی نسبت فرهنگی و مالتی کالچریسم و بلند کردن پرچم انسانیت و مدنیت و ارزشهای جهانشمول انسانی در جوامع غربی، نقد و افشای پیگیر نظم نوین جهانی سرمایه و تشکیل جبهه سوم در برابر دو قطب تروریستی میلیتاریسم و هژمونی طلبی و قلدری سیاسی - نظامی دولت آمریکا از یکسو و اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی از سوی دیگر، اینها عرصه های متعددی است که حزب عملا و فعالانه و بطور مستمر در آنها درگیر است. پیشبرد این مبارزه عظیم به امکانات اجرایی و منابع مالی

ای به همان اندازه وسیع و عظیم نیازمند است. هر که با ماش بیش برفش بیشتر! تامین بودجه رادیو و تلویزیون ۲۴ ساعته و چاپ و پخش نشریات و کتب و ادبیات حزبی و سازماندهی کمپینها و آکسیونها و سمینارها و کنفرانسها و جلسات سخنرانی در چهار گوشه دنیا (اعضا و کادریهای متشکل حزب در بسیاری از شهرهای ایران، و در آمریکا و کانادا و انگلیس و آلمان و بلژیک و فرانسه و هلند و ایتالیا و کشورهای اسکاندیناوی و ژاپن و استرالیا و ترکیه حضور دارند و فعالیت میکنند)، پیشبرد و گسترش همه این فعالیتهای در گروه حمایتی و کمکهای مالی مردم است. گرداندن این چرخ عظیم دفاع از انسان و انسانیت، با یک تخمین نقصانی، به بودجه ای حدود ۵۰ هزار دلار در ماه نیازمند است. بر این مبنا، کمپین نیم میلیون دلاری اگر به هدف اعلام شده برسد هزینه های تقریباً یکسال فعالیتهای حزبی را تامین خواهد کرد و ما تمام کوشش خود را بکار خواهیم برد تا این کمپین مانند کمپین قبلی با موفقیت به پایان برسد.

اولین نتیجه و حاصل مستقیم این موفقیت راه اندازی مجدد رادیو انترناسیونال، که متأسفانه دو ماه قبل بعد از ۶ سال فعالیت بی وقفه بخاطر مشکلات مالی تعطیل شد، و انتقال تلویزیون ۲۴ ساعته به شبکه های تازم و گسترش پوشش ماهواره ای و تولید بیشتر برنامه های زنده و متنوع تلویزیونی به زبان فارسی و ترکی و کردی و انگلیسی و عربی خواهد بود. و این تماس و ارتباط وسیعتر و زنده تر با مردم بنوبه خود زمینه های تازه و گسترده تری از فعالیت در ایران و در خارج کشور را بروی حزب خواهد گشود. گسترش فعالیتهای حزب بویژه در شرایط حاضر که نیروهای ارتجاعی در صف ضد انقلاب و دشمنان مردم، حکومت اسلامی و چکمه پوشان آمریکائی و نیروهای ناسیونالیست و قوم پرست از هر سو زندگی و مبارزات مردم را در معرض تهدید قرار داده اند امری بسیار عاجل و حیاتی است. جنبش سرنگونی طلبانه و انقلابی مردم

مردم آزاده!

برای زدودن مذهب از دولت و قوانین و سیستم آموزشی و کلا زندگی اجتماعی مردم، برای لغو کامل

آپارتاید جنسی و تبعیض و فرودستی و بیحقوقی فاحشی که در حق زنان روا میشود، برای باز کردن در زندانها و ممنوعیت سنگسار و شلاق و شکنجه و اعدام، برای مقابله با نفرت پراکنی قومی در جامعه و مقابله با نیروهای ناسیونالیست و قوم پرست، برای خنثی کردن تهدیدات نظامی آمریکا، برای ریشه کن کردن جنبش ضد انسانی اسلام سیاسی از ایران و منطقه و سراسر دنیا، برای پایان بخشیدن به استثمار و نظام بردگی مزدی سرمایه، و برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برپائی یک دنیای بهتر به حزب خود، به حزب کمونیست کارگری کمک کنید. کمکهای مالی خود را از طریق شماره حسابهای که به این منظور اعلام شده است، از طریق تماس با آدرسها و سایتها و شماره تلفنها و فکس و تلویزیون و (بزودی رادیو) حزب و یا به هر طریق دیگری که میتوانید بدست ما برسانید. کمکهای مالی شما هر اندازه کوچک

نقش بزرگی در پیشروی و پیروزی صف انسانیت و تمدن در ایران و در سراسر جهان خواهد داشت. *

از صفحه ۳ گفتگو با حمید تقوایی

حقوق برابر برای همه شهروندان بعنوان انسانهای متساوی الحقوق است. همه اعضای جامعه باید مستقل از تعلقات ملی و مذهبی و قومی که دارند و یا به آنان نسبت داده شده است، در همه زمینه ها از جمله تحصیل و انتشار کتبی و شفاهی نظرات و شرکت در کلیه فعالیتهای اجتماعی به زبان مادری خود، کاملاً برابر و متساوی الحقوق باشند و دولت موظف است به همه زبانهای رایج در کشور به مردم خدمات اداری و اجتماعی بدهد و تسهیلات لازم را برای این امر فراهم کند. اساس و مبنای همه این حقوق اتکا بر هویت انسانی افراد جامعه و

پاسخگویی به نیازهای انسانی شهروندان است. اتکا بر انسانیت و هویت مشترک انسانی و سازماندادهای جامعه بر مبنای نیازهای انسانی کلید حل نه تنها مسأله ملی بلکه همه تبعیضات و بی حقوقی ها و ستمگریهای است که تعصبات و تفاوتهای مذهبی و قومی و نژادی و جنسی و طبقاتی در جامعه ایجاد میکند. این راه حل بشریت متهمان نه تنها در جامعه ایران و در پاسخ به ناسیونالیسم ترک و فارس، بلکه در مقابل کل اردوگاه ملی - قومی - مذهبی نظم نوین سرمایه در سراسر جهان است. *

تلویزیون انترناسیونال

هر شب ساعت ۹:۳۰ تا ۱۱:۳۰ به وقت تهران

مشخصات فنی آنتن

Satellite: Telstar 12
Center Frequency: 12608 MHz
Symbol Rate: 19279
FEC: 2/3
Polarization: horizontal

فراخوان حزب کمونیست کارگری به مردم سراسر ایران

در محکومیت جنایات رژیم در شهرهای آذربایجان به میدان بیایید!

طی روزهای گذشته اعتراضات و اجتماعات مردم در شهرهای آذربایجان با سرکوب وحشیانه رژیم اسلامی، استفاده از انواع سلاح های سرد و گرم، به گلوله بستن صفوف مردم، کشتار و مجروح کردن بسیاری از مردم معترض و تظاهر کننده و دستگیری های وسیع همراه بوده است. صرف نظر از هر خواسته و مطالبه ای که مردم داشته باشند این جنایات رژیم بشدت محکوم است و حزب کمونیست کارگری از مردم سراسر ایران دعوت میکند که اعتراض و نفرت خود علیه جنایات رژیم و کشتار و سرکوب مردم شهرهای آذربایجان را به نمایش بگذارند.

علاوه بر این، اعتراض مردم شهرهای آذربایجان علیه دو هیبن و نفرت پراکنی روزنامه "ایران" و ستم فرهنگی و ملی جمهوری اسلامی کاملاً بحق است و هر فرد آزاده ای باید فعالانه خواهان پایان دادن به هرگونه تبعیض و ستم بر مردم ترک

زبان و یا هر بخش دیگری از مردم باشد. واقعیت آنست که مردم تبریز و شهرهای دیگر آذربایجان نیز مانند مردم سایر نقاط ایران از جمهوری اسلامی متفردند و همان خواسته ها و آرزوهایی را دارند که مردم تهران و سنج و اهواز؛ این ناسیونالیسم قومی و پان ترکیسم است که میکوشد مبارزات مردم را به نفرت قومی منحرف کند و در واقع به نفع جمهوری اسلامی در صف متحد مردم برای آزادی و برابری تفرقه و دشمنی ایجاد کند. و دقیقاً این جمهوری اسلامی است که با جنایات وحشیانه اش علیه مردم و تظاهرات های روزهای اخیر ناسیونالیسم ترک و تفرقه و کینه قومی را تقویت میکند. سال ۵۷ با حربه مذهب و ناسیونالیسم ضد آمریکایی انقلاب مردم را سر بریدند، اینبار گویی میخوانند با به میدان آوردن ناسیونالیسم قومی و ایجاد تفرقه و کشاکش قومی مبارزه مردم را به شکست بکشاند. ما مصمم هستیم

که اجازه چنین سناریوی سیاهی را ندهیم. در شرایط کنونی تنها راه مقابله موثر با این جنایات رژیم و خطر تفرقه و کشمکش قومی این است که مردم سراسر ایران فعالانه در حمایت از مردم شهرهای آذربایجان و در محکومیت رژیم و ناسیونالیسم به میدان بیایند و با شعار مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد آزادی و برابری، نابود باد هرگونه ستم و تفرقه و نفرت قومی و مذهبی، صفتی متحد را در برابر جمهوری اسلامی و تفرقه قومی قرار دهند.

**نابود باد نفرت پراکنی قومی
و ملی و مذهبی!
مرگ بر جمهوری اسلامی!
آزادی، برابری، حکومت کارگری!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!
حزب کمونیست کارگری ایران**
۶ خرداد ۱۳۸۵، ۲۷ مه ۲۰۰۶

قوم پرستان، چرخ پنجم جمهوری اسلامی هستند!

هستند. با وقاحت اعلام میکنند نباید شعار علیه خامنه ای و احمدی نژاد داد؛ باید فقط شعارهای "ملی" داد. اینها برای راه انداختن یک پاکسازی تمام عیار قومی تلاش میکنند. اینها میخواهند ایران را به یوگسلاوی و عراق تبدیل کنند. اینها میخواهند کشتار قومی راه بیندازند و روی تلی از جنازه مردم به قدرت برسند. تحرک جریانات قوم پرست سد راه مبارزه گسترده و متحد مردم از هر زبان و منطقه

برای بزرگ کردن جمهوری اسلامی است. جریانات قوم پرست چرخ پنجم ارابه زنگ زده جمهوری اسلامی هستند. باید مبارزه علیه فاشیسم اسلامی و فاشیسم برد. فاشیسم و نژادپرستی و قوم پرستی و بی حرمتی توسط هر باندی علیه هر بخشی از مردم محکوم است. باید قاطعانه و گسترده مبارزه علیه حکومت اسلامی را ادامه داد. همچنین باید قاطعانه و گسترده علیه جریانات قوم پرست که میخواهند این مبارزه را با سموم نژادپرستانه تخریب کنند ایستاد.

مردم آزادی میخواهند. برابری میخواهند. رفاه میخواهند. زندگی بدون تبعیض و تحقیر میخواهند. مردم جامعه ای میخواهند که در آن حق و آزادی و برابری هیچ انسانی به نام مذهب و جنسیت و نژاد و قومیت پایمال نشود. حزب کمونیست کارگری از همه مردم آزادیخواه، از همه کارگران، زنان و جوانان میخواهد متحدانه به مبارزه برای سرنگونی حکومت اسلامی ادامه داده و اجازه ندهند هیچ باند و فرقه قوم پرستی در مقابل این مبارزه سد ایجاد کند.

**نابود باد نفرت پراکنی قومی و
ملی و مذهبی!
مرگ بر جمهوری اسلامی!
آزادی، برابری، حکومت کارگری!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!**

حزب کمونیست کارگری ایران
۸ خرداد ۱۳۸۵، ۲۹ مه ۲۰۰۶

مردم آذربایجان علیه نفرت پراکنی قومی روزنامه "ایران"، یکی از ارگانهای حکومت جمهوری اسلامی به اعتراضات گسترده ای دست زده اند. این خشم و نفرت عمیق مردم از ۲۷ سال تبعیض و بی حقوقی است که امروز در آذربایجان شعله ور شده است. مبارزه مردم در شهرهای آذربایجان و خواست آنها برای رفع ستم و نابرابری و تحقیر و بی حقوقی باید مورد حمایت همه مردم ایران قرار گیرد.

جمهوری اسلامی، توسط اوپاش سپاهی و بسیجی اش، با قساوت تمام به سرکوب مردم آذربایجان دست زده است. تعداد زیادی را کشته و دستگیر کرده است. در مقابل توحش جمهوری اسلامی و نیروهای سرکوبگرش قاطعانه باید ایستاد. از نظر مردم ایران، این جنایات هم به پرونده سنگین جمهوری اسلامی علیه بشریت اضافه میشود. مردم ایران این حکومت را بزرگ خواهند کشید و سران این رژیم آدمکش را در مقابل جهانیان به محاکمه خواهند کشید.

همزمان با اعتراض به حق مردم آذربایجان، جریانات قوم پرست به تحرك وسیعی دست زده اند. این جریانات تلاش میکنند نفرت مردم علیه حکومت اسلامی را به نفرت علیه مردم فارس زبان و غیرترک زبان منحرف کنند. اگر جمهوری اسلامی ۲۷ سال تمام با پرچم و ایندولوژی اسلامی، کارگران و زنان و جوانان در همه نقاط ایران را در اسارت نگه داشته، قوم پرستان میخوانند با پرچم و ایندولوژی قومیت مردم را قربانی کنند. رسماً و علناً از طریق رسانه هایشان از جمله تلویزیون فاشیست گوناغ نفرت قومی تبلیغ میکنند. میگویند سپاه و بسیج و ژنرالها و آخوندها و حکام شرع و سرمایه داران آذربایجان متحد مردم اند و کارگران و جوانان و زنان و مردم ستمییده فارس زبان دشمنان مردم آذربایجان

تلویزیون کانال جدید را همزمان در اینترنت ببینید!

دکمه "جدید" در ستون وسط تصویر برنامه های تلویزیونی را همزمان با پخش در ماهواره مشاهده کنید. لطفاً ما را از مشکلات فنی احتمالی در این دوران آزمایشی مطلع کنید.

**علی جوادی
رئیس تلویزیون کانال جدید**
۲۵ مه ۲۰۰۶

احتمالی ۲۴ ساعته تلویزیون کانال جدید را از طریق شبکه اینترنت نیز بطور گسترده و بدون محدودیت تعداد بیننده در اختیار علاقمندان قرار دهیم. جهت تماشای تلویزیون کانال جدید به سایت www.pamtv.us مراجعه کنید و با کلیک کردن بر

بدینوسیله به اطلاع کلیه دوستان و علاقمندان تلویزیون کانال جدید میرسانیم که از این پس میتوانید تلویزیون کانال جدید را همزمان با پخش در ماهواره در شبکه اینترنت مشاهده کنید. ما امیدواریم که با به سرانجام رساندن موفق دوران آزمایشی و رفع نواقص فنی

اطلاعیه کانال جدید در مورد تغییر فرکانس ماهواره

بدینوسیله به اطلاع عموم میرسانیم که فرکانس و مشخصات پخش سیگنال تلویزیون کانال جدید در ماهواره تل استار ۱۲ از دوشنبه ۱۲ جون (۲۲ خرداد) تغییر خواهد کرد. مشخصات جدید به قرار زیر است:

Satellite: Telstar 12
Frequency: 11494
Symbol Rate: 17469
FEC: 3/4
Vertical

در حال حاضر کانال جدید هم بر روی فرکانس قدیم و هم جدید پخش میشود. لطفاً مشخصات جدید سیگنال تلویزیون کانال جدید را به اطلاع همه دوستان و آشنایان خودتان برسانید.

روابط عمومی تلویزیون کانال جدید

۱ جون ۲۰۰۶

دفتر مرکزی حزب

Tel: 0044-779-1130-707
Fax: 0044-870-135-1338
Email: markazi@ukonline.co.uk

مراسم یادبود منصور حکمت



منصور حکمت تشویسین و دعوت میکنم که روز شنبه اول متفکر مارکسیست و ژوئیه ساعت ۱ بعد از ظهر در لیبرکمونیسیم کارگری در تاریخ ۴ گورستان های گیت به جمع دوستداران منصور حکمت سال در سالگرد مرگ او در پیوندند. گورستان های گیت گرد میانییم تا یاد این انسان بزرگ را در کنار هم گرامی بداریم. از تمام علاقمندان

آذر ماجدی
۲۵ مه ۲۰۰۶

تلفن تماس و شماره حسابهای کمک مالی:

کمک های خود را میتوانید به این حسابها واریز کنید و یا از طریق تماس با واحدها و مسئولین حزب در کشورهای مختلف تماس بگیرید و راهنمایی بخواهید.

شماره حساب ها:

انگلیسی:

Account nr. 45477981
Sort code: 60-24-23
Account holder: WPI
Branch: wood green
Bank: Nat West

سوئد:

پست جیرو 639 60 60-3
صاحب حساب IKK

آلمان:

Dariush safa
Konto Nr:894922303
Kredit Institut
Post bank Hannover
BLZ:25010030

کانادا:

TD Canada Trust
A. Mikanik
transit#1672
Institution#504
Acc#6235975

نگر از ایران ارسال میکنید: میتونید از طریق دوستانتان در خارج به حساب های فوق واریز کنید، و یا با شماره تلفن ۰۰۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸ تماس بگیرید تا راه های دیگر را به شما معرفی کنیم. نقاضا میکنیم در همه موارد میزان و مشخصات مبلغ واریز شده و اسمی که باید اعلام شود را به ما اطلاع دهید.

به کنفدراسیون اتحادیه های آزاد کارگری و اتحادیه های کارگری در سراسر جهان



ضروری است تا با اقدامی فشرده تر تلاش کنیم که منصور اسانلو فوراً بدون قید و شرط از زندان آزاد شود. حمایت های شما و اتحادیه های کارگری در سطح بین المللی تا هم اکنون نشان داده است که این پشتیبانی ها تا چه حد میتوانند در عقب راندن رژیم اسلامی از سرکوب اعتراضات برحق کارگران و فشار بر روی رهبران کارگری موثر باشد. از شما میخواهیم که با نامه های اعتراضی و حمایت گسترده تر خود ما را در پیشبرد این کمپین اعتراضی یاری رسانید. منصور اسانلو باید فوراً از زندان آزاد شود و کارگران شرکت واحد و همه کارگران در ایران چشم انتظار اقدامات گسترده تر شما در این جهت هستند.

زنده باد همبستگی بین المللی کارگری
کمیته همبستگی بین المللی کارگری
حزب کمونیست کارگری ایران

شهلا دانشفر

با کمال مسرت به اطلاعاتان میرسانم که احکام زندان آقایان جلال حسینی، محمود صالحی، محمد عبدی پور، محسن حکیمی و برهان دیوارگر که به جرم تدارک برگزاری اول مه در سال ۸۳ دستگیر شده بودند و سپس در نتیجه اعتراضاتی گسترده از زندان آزاد شدند و در دادگاه بدوی به ۲ تا ۵ سال زندان محکوم شده بودند، لغو گردید. این یک پیروزی بزرگ برای همه کارگران در ایران و نتیجه موفقیت آمیز یک کمپین بین المللی گسترده برای لغو این احکام است. من همین جا این پیروزی را به همه کارگران در سطح جهان و به شما که با جدیت تمام برای آن تلاش کردید تبریک میگویم و از حمایت و پشتیبانی شما تشکر و قدردانی میکنم.

لازمست همینجا یادآور شوم که از دستگیری منصور اسانلو دبیر هیات ریسه سنديکای واحد ۵ ماه میگذرد و بنا به گزارشات رسیده از زندان اوین ما هم اکنون دربند ۲ بازداشتگاه اطلاعات زندان اوین به سر میبرد. بنا به خبر اسانلو هر هفته به شعبه ۱۴ بازپرسی منتقل میشود و به صورت مستمر تحت بازجویی قرار میگیرد. بر طبق همین گزارش مامورین امنیتی

جمهوری اسلامی باید از

سازمان جهانی کار "آی ال او" اخراج گردد

به ضمیمه فیلم حمله چماقداران خانه کارگر و شوراهای اسلامی به سنديکای شرکت واحد را ارسال میکنیم. این فیلم گویای واقعیت جنایتکارانه، ضدانسانی و ضد کارگری خانه کارگر و شوراهای اسلامی است. نشانگیر نقش سرکوبگرانه این ارگانهای دولت ساخته در جنبش کارگری است. در این فیلم مشاهده میکنید که چماقداران خانه کارگر و شوراهای اسلامی به سنديکای شرکت واحد حمله میبرند و منصور اسانلو و رهبران سنديکا را مورد ضرب و شتم قرار میدهند و حتی اقدام به

بریدن زبان اسانلو میکنند. با دیدن فیلم برای همه کس مسجل میشود که شوراهای اسلامی و خانه کارگر جمهوری اسلامی باید فوراً منحل شوند. باید آنها را به خاطر این اقدام جنایتکارانه مورد محاکمه قرار داد.

این ارگانهای جاسوسی رژیم هیچ ربطی به کارگران ندارند و باید فوراً از سازمان جهانی کار اخراج گردند. ما از کنفدراسیون اتحادیه های آزاد کارگری و تمامی تشکل های کارگری در سطح جهان انتظار داریم که به سازمان جهانی کار آی ال او فشار بیاورند و خواهان اخراج جمهوری اسلامی از این سازمان

با احترام

کمیته همبستگی بین المللی
کارگری حزب کمونیست کارگری ایران
شهلا دانشفر

این نامه از سوی کمیته همبستگی بین المللی کارگری خطاب به کنفدراسیون اتحادیه های آزاد کارگری و سازمانهای کارگری در سراسر جهان به همراه فیلم حمله چماقداران خانه کارگر و شوراهای اسلامی به سنديکای شرکت واحد، ارسال شده است.